



ویردنامه  
روز معصوم





### معلم در آینه زلال معرفت

منزلت انسانیت در شان معلمی به منصفه ظهور می رسد چون انبیا با رسالتی که از طرف خداوند مامور به تبلیغ می گردند در این نقش ایفای وظیفه می کنند. معلم، ماندگارترین واژه است که نام او برای همیشه با دیروز و امروز و فردای اهل خرد و اندیشه همراه است؛ زیرا اساس عالم هستی بر تربیت انسان قرار دارد و معلم هدایت کننده انسان هاست. خداوند، آدم را به خاطر فراگیری اسمای الهی بر فرشتگان برتری داد. پیامبران را معلم انسان ها قرار داد. این همه تجلیل و رفعت جایگاه معلم به خاطر نقش انسان سازی و تربیتی اوست. از بهترین امتیازات جامعه بشری عنوان معلمی است. معلم با تعلیم و نشر علم، انسانها را به سوی کمال و پیشرفت سوق می دهد و عشق و ایمان را بر لوح جان و ضمیر پاک انسانها ثبت می کند و ندای فطرت را در فضای عالم طنین انداز می گرداند. در حقیقت تمام ترقیات و کمالات انسانها مدیون معلم است. اساسا تعلیم و تعلم از نعمتهای خداوند متعال است که اول برای انبیاء و اولیا و سپس به دیگران ارزانی داشته است. به این جهت، معلم بودن از ویژگیهای انبیاست. خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه/۲). «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

اقرء باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرء وربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم. (سوره علق آیه ۱-۵)  
لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين. (آل عمران / آیه ۴۶)

کلمات رب، ربنا، ربکم، ربک، ربه، ربها، ربهم، ربی، ربهما، ربکما که در قرآن کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت می باشد و اصل رب تربیت است و آن عبارت از ایجاد شیء است تا به تدریج او را به مقصد کمال و تمام رهنمون سازد. با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی ها معرفی شده است و در کلمات رسول الله (صلی الله علیه و آله) آمده است (بالتعلم ارسلت)، (بعثت معلما)، (بعثت لا تمم مکارم الاخلاق) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن بسوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی می باشد. در مکتب تعلیم و تربیت اسلام فراگیری علم و دانش همراه با تهذیب و تربیت دینی هدف رسالت نبوی شمرده شده و برای تحصیل علم نه محدودیت زمانی دارد و نه مکانی و از نظر معلم مرز نمی شناسد چرا که علم و حکمت را گمشده مومن می داند که نزد هر کس بیاید آن را می گیرد. در مکتب اسلام تمام افرادش باید معلم باشند و تمام افرادش متعلم، همه باید هم تحصیل کنند و هم تدریس نمایند و انسان ها را الهی تربیت کنند.

و در واقع معلم و آموزگار حقیقی، خداوند است، که در این آیات نیز بدان اشاره شده است:

۱. حضرت آدم (ع) را علم اسامی آموخت: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱)
۲. حضرت داوود (ع) را صنعت ساختن زره یاد داد: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ» (انبیا: ۸۰)
۳. حضرت عیسی (ع) را کتاب و حکمت تعلیم داد: «وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۴۸)
۴. حضرت خضر (ع) را علم و معرفت آموخت: «وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵)
۵. حضرت محمد (ص) را اسرار نظام جهان آموخت: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ» (نسا: ۱۱۳)

۶. انسان ها را بیان آموخت: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۳ و ۴)  
معلمی وظیفه ای بس گرانقدر و ارزشمند در اسلام است. اولین معلم خداوند متعال است که فرمود: الرحمن، علم القرآن... خداوند رحمان قرآن را آموخت... دومین معلم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که خود فرمود: من معلم برانگیخته شده ام و ائمه اطهار و بزرگان دین نیز هر یک معلمانی برجسته و راهنمایانی بس شایسته بوده اند.

بزرگ ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله به این ویژگی خود افتخار می کرد. آن بزرگوار زمانی که با دو گروه در مسجد مواجه شد که گروه اول عبادت می کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را که در محضر استادی علم می آموختند، افضل دانست و فرمود: «إِنَّمَا يُعِثُّ مَعْلَمًا» (سنن دارمی، عبدالله دارمی، نشر اعتدال، دمشق، ج ۱، ص ۹۹). همانا که من به عنوان معلم مبعوث شده ام.»

آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُعَلِّمِينَ وَأَطِلْ أَعْمَارَهُمْ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي كَسْبِهِمْ» (کشف الخفاء، اسماعیل عجلونی، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۴۸). خداوند! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!

اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می کند و می گوید: (اب معلمک) یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، دلسوز و دلسوخته معلمی است که به تو دانش می آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می شود باید در حق معلم به صورت کامل تری رعایت گردد. نام معلم چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده و رسول الله (ص) فرموده اند: (انما بعثت معلما). امام خمینی (ره) در جمع شرکت کنندگان در سمینار آموزشی انجمن های اسلامی معلمان کشور فرموده اند: (معلم اول، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می کند مردم را از ظلمات به نور و به وسیله انبیاء و آیات و حیانی مردم را دعوت می کند به نورانیت، دعوت می کند به کمال، دعوت می کند به عشق، دعوت می کند به محبت، دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است. به دنبال او انبیاء هستند که همان مکتب الهی را نشر می دهند و آنها هم شغلشان تعلیم است، معلمند، معلم بشرند، آن ها هم شغلشان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد. (صحیفه امام خمینی، جلد ۹، ص ۲۷۱) (۲۷ مرداد ۱۳۵۸) مقام معلم مقام والایی است، مقامی است که بالاتر از مقام معلم نیست و چنین است که وارثان انبیاء شمرده می شوند. چنان چه امام صادق (ع) فرموده اند: ان العلماء ورثة الانبياء «یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند». (وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۲۷، ص ۷۸، کتاب القضاء، ابواب صفات قاضی، باب ۸، ج ۲، آل البیت).

آری، معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می باشد. در مقام پاسداشت از تلاشهای معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام نمی توان یافت که فرمود: «مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا» (جامع السعادات، محمدمهدی نراقی، دار النعمان، نجف اشرف، ج ۳، ص ۱۱۲). کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است.» البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به آموزش بپردازد.

### امام حسین علیه السلام و تقدیر از معلم

بدون تردید هر انسانی فطرتاً دوست دارد تا از خدمتگزار خود تقدیر کند و چه خدمتی بالاتر از آموزش علم و دانش به انسان می تواند باشد. در آموزه های دینی ما برای تقدیر از معلم سفارشهای زیادی شده است و در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام این امر مرسوم و مسلم بوده است. ابن شهر آشوب در حالات امام حسین علیه السلام می نویسد: در مدینه معلمی به نام عبد الرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت. هنگامی که فرزند گرامی حضرت آن را در نزد وی قرائت کرد، امام بسیار خوشحال شد و معلم را دعوت کرد و به عنوان تقدیر و تشکر هزار دینار و هزار حله به او پاداش





نموده و او را رسوا کرده است، [خیلی خوشحال شد و] هنگامی که آن استاد فرزانه به حضور امام هادی علیه السلام رسید، امام او را در صدر مجلس به تخت بزرگی در آنجا قبلاً نهاده بودند، راهنمایی کرد. این درحالی بود که گروهی از علویان و بنی هاشم حضور داشتند و خود امام در آن تخت نشست. حضرت آن استاد فقیه را بالا برد و تعظیم کرد تا اینکه در روی آن تخت نشاند. (الاحتجاج، احمد طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۵۴.)

### مرجع بزرگ شیعه و تکریم معلم اخلاق

یکی از بهترین و مؤثرترین ترین اقشار اجتماعی، معلمان و اساتید و مربیان هستند. همان طور که شمع خود می سوزد و اطرافش را روشن می کند، معلمان دلسوز و وظیفه شناس که دانش آموزان و دانشجویان خود را با زحمات شبانه روزی به سوی روشنایی و هدایت می برند نیز جامعه را به نور علم و معرفت خویش روشن می سازند. برای همین، شایسته است که مقام معلمان و مدرسان را همه طبقات، محترم بشمارند.

از منظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقام سه گروه برجسته در جامعه را به غیر از افراد گمراه و منافق کسی دیگر سبک نمی شمارد. آن حضرت چنین فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يُسْتَحَقُّ بِهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيِّنٌ نِفَاقُهُ ذُو شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ وَمُعَلِّمٌ الْخَيْرِ وَإِمَامٌ عَادِلٌ؛ از تعظیم و تکریم سه گروه به غیر از افراد منافق که دورویی آنان بر همگان آشکار است، کسی دیگر سر باز نمی زند. این سه گروه عبارت اند از: سالمندی که مویش را در راه اسلام سفید کرده، معلم نیکی و پیشوای عادل.» در خاطرات آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم آمده است:

در دوران جوانی روزی در جلسه ای با حضور عده ای از علما که در میان آنان آقا میرزا محمدتقی شیرازی و شهید آقا شیخ فضل الله نوری نیز دیده می شد، نشستیم بودیم. در آن هنگام، پیرمردی ژولیده و لاغر اندام که دستمال ماندی به سر بسته و عبایی وصله دار بر دوش گرفته بود، در نهایت سادگی به آن جلسه داخل شد. میرزا محمدتقی شیرازی فوراً بلند شد و با احترام تمام آن پیرمرد را به حضور جمع آورد و در بهترین جای مجلس نشاند. او با اشاره به آقا شیخ فضل الله، از میرزا پرسید: ایشان کیست؟ میرزا گفت: ایشان آقا شیخ فضل الله نوری است و او را کاملاً معرفی کرد. پیرمرد روشن ضمیر گفت: چند سال بعد شیخ فضل الله نامی را [به جرم دفاع از اسلام] در تهران بر دار می کشند. او تو نباشی!

سپس نام مرا از میرزا پرسید: میرزا گفت: او آقا شیخ عبد الکریم یزدی است و از فضلاست. مسئله ای از من پرسید و من چون پاسخ آن را خیلی واضح و پیش پا افتاده می دانستم، نگفتم و سکوت کردم. میرزای شیرازی دوم بر من خشم گرفت و شدیداً ناراحت شد و خودش پاسخ مسئله را گفت و اضافه کرد که علما در این باب این طور می گویند. وقتی بیان میرزا تمام شد، آن مرد ساده پوش خود به صورت دیگر پاسخ را تقریر کرد و میرزا گفته های او را نوشت و به او نشان داد و پرسید: آیا همین گونه فرمودید؟ و او گفت: بلی. سپس به من رو کرد و گفت: چندی بعد پرچم اسلام در قم بر دوش شیخ عبد الکریم نامی به احتزاز در می آید، او تو نباشی!

آن گاه برخاست و خدا حافظی کرد و رفت. میرزا محمدتقی شیرازی کفش پیش پای او نهاد و او را بدرقه کرد و چون بازگشت، بر من عصبانی شد که چرا به او بی اعتنایی کردم و توضیح داد که او معلم اخلاق حوزه های علمیه، آخوند فتحعلی سلطان آبادی است. (شرح حال آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی، از نگارنده، ص ۴.)

### معلم شعر شهریار

گنج عشق جاودان اندوختن  
پس سویدای سواد آموختیم  
از معلم جان روشن یافتیم  
چون خدا مشکل توان تعریف تو  
ای به طوفان جهالت نوح ما  
یک پدر روشنگر جان و دل است  
آنکه دین آموزد و علم و یقین

می توان در سایه آموختن  
اول از استاد یاد آموختیم  
از پدر گر قالب تن یافتیم  
ای معلم چون کنم توصیف تو  
ای تو کشتی نجات روح ما  
یک پدر بخشنده آب و گل است  
لیک اگر پرسی کدامین برترین

داد. وقتی امام حسین علیه السلام به خاطر این پاداش زیاد، مورد اعتراض قرار گرفت، فرمود: «وَأَيُّنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَغْنَى تَعْلِيمِهِ؛ این پاداش من کجا و عطای او، یعنی آموزش سوره حمد کجا!» آن گاه امام حسین علیه السلام این ابیات را یادآور شد که:

إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجُدْ بِهَا  
فَلَا الْجُودُ يُفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ  
عَلَى النَّاسِ طُلُقًا قَبْلَ أَنْ تَتَفَلَّتْ  
وَلَا الْبُخْلُ يُبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتْ

(مناقب ابن شهر آشوب، محمد بن شهر آشوب مازندرانی، نشر حیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ق، ج ۳، ص ۲۲۲.)

یعنی زمانی که دنیا چیزی بر تو ببخشد، تو نیز دست عطایت را بر همه مردم بگشا، قبل از آنکه از دست تو برود! نه بخشش آن را از بین می برد، اگر به تو رو آرد و نه بخل آن را نگه می دارد، اگر دنیا به آن پشت کند.

### منزلت معلم

از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام برای مقام معلمی ارزش بسیاری قرار داده شده است؛ چرا که او روح و جان افراد را پرورش داده، به سوی رشد و ترقی و تعالی می برد. وقتی به اسکندر ذوالقرنین گفتند: پدرت را بیشتر دوست می داری یا معلمت را؟ به او پاسخ داد: «معلم را؛ زیرا او مایه زندگی جاویدان من است؛ اما پدرم فقط زندگی موقتی ام را موجب شده است.»

حضرت سید الشهداء علیه السلام در یکی از رهنمودهای حیاتبخش خویش فرمود: «مَنْ دَعَا عَبْدًا مِنْ ظَلَالَةٍ إِلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ فَاَجَابَهُ كَانَتْ لَهُ الْاَجْرُ كِعْتَقِ نَسَمَةٍ؛ مسند زید بن علی، دار مکتبه الحیاة، بیروت، ص ۳۹۰.) هر کس انسانی را از گمراهی به سوی شناخت حق و حقیقت راهنمایی کند و او نیز پاسخ مثبت دهد، به اندازه آزادی یک بنده پاداش خواهد داشت.»

امام حسین علیه السلام در این زمینه به مردی که در محضرش بود، چنین فرمود: «کدام یک از دو کار را بیشتر دوست داری: مرد ستمگر می خواهد فرد ناتوانی را به قتل برساند و تو او را یاری می کنی و از دست ظالم نجات می دهی و یا اینکه فرد دگراندیشی که اعتقادات فاسد دارد و می خواهد یکی از شیعیان ما را که توانایی دفاع فکری و عقیدتی از باورهای خود ندارد، گمراه کند و تو دری از علم و معرفت به روی او می گشایی و آن مستضعف فکری را یاری می کنی و در مقابل هجوم فرهنگی و عقیدتی تجهیزش می نمایی و او با دلایل محکم و منطقی بر دشمن عقیدتی خود پیروز می شود؟»

آن گاه در ادامه فرمود: «این ناتوان فکری را یاری کردن افضل است؛ چرا که خداوند متعال فرموده: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ (مائده / ۳۲.) «هر کس فردی را زنده کند، مثل این است که تمام مردم را زنده کرده است.» یعنی اینکه از کفر به سوی ایمان راهنمایی و ارشادش نماید.» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام، مدرسه الامام المهدی عج، قم، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۴۸.)

### عزیزترین قشر جامعه

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام احترام معلم را بر هر قشری از جامعه لازم می دانست و به مسلمانان سفارش می کرد که به پاس خدمات این گروه ارزشمند در هر مقامی که باشند، آنان را همانند پدر خود گرامی بدارند و در این زمینه فرمود: «قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِابِيكَ وَمُعَلِّمِكَ وَلَوْ كُنْتَ امِيرًا؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، نشر آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۲۰۳.) به پاس گرامی داشت پدر و معلم خود به پا خیز! گرچه پادشاه کشور باشی.»

حضرت زین العابدین علیه السلام نیز در ضمن شمارش حقوق اقشار مختلف جامعه، معلمان را از طبقات برتر جامعه قلمداد کرده، به دوستان و شیفتگانش سفارش کرد که حقوق معلمان و اساتید خود را به نحو شایسته ای مراعات کنند و در رساله حقوق خود فرمود: «حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعَلْمِ فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْاِسْتِمَاعِ اِلَيْهِ (مستدرک الوسائل، محدث نوری، نشر آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۱۵۸.) حق آموزگار تو این است که او را تعظیم کنی و در مجلس محترم بداری و به دقت و نیکویی سخنانش را گوش کنی.»

در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است: «هنگامی که به حضرت هادی علیه السلام خبر رسید یکی از فقهای شیعه - که در مقام استادی بود - با برخی از ناصبیان مناظره کرده و با برهان محکم و متقن، باطل بوده ناصبی را اثبات





### برکات حضور در نزد معلم

مِمَّا عَلَّمْتَ تُشَدًّا»؛ (کهف/ ۶۶). «موسی به او گفت: آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟»

#### ویژگیهای معلمان شایسته

در مطالب گذشته روایاتی در مقام و منزلت معلمان شایسته بیان شد. در خاتمه، به برخی از شرایط آنان نیز اشاره می شود:

۱. اخلاص  
امام صادق علیه السلام فرمود: «الْمُعَلِّمُ لَا يَلْعَلُ بِالْأَجْرِ وَيَقْبَلُ الْحَدِيثَ إِذَا أُهْدِيَ إِلَيْهِ؛ (وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، نشر آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۷، ص ۱۵۶). معلم به خاطر مزد درس نمی دهد، [بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می دهد] و هرگاه هدیه ای برایش دادند، آن را می پذیرد.»

۲. عدالت میان شاگردان  
پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دورترین مردم از خداوند را دو گروه معرفی نمود و در توضیح گروه دوم فرمود: «وَمُعَلِّمُ الصَّبِيَانِ لَا يُوَأَسِي بَيْنَهُمْ وَلَا يُرَاقِبُ اللَّهَ فِي الْيَتِيمِ؛ (تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، نشر دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۲۸ ص ۱۸). و معلمی است که به کودکان آموزش می دهد، اما در میان آنان به عدالت رفتار نمی کند و در مورد یتیم، خدا را در نظر نمی گیرد.»

۳. تواضع برای شاگردان  
علی علیه السلام فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلْمُتَعَلِّمِينَ وَذَلَّ لِلْعُلَمَاءِ سَادَ يَعْلَمُهُ؛ (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶). هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، علم و دانش او گسترش یافته، به مقامات عالیه دست می یابد.»

۴. عمل به گفته های خود  
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «در روز قیامت دانشمندان [و معلمان] بد را می آورند و به آتش جهنم می اندازند. یکی از آنان [از شدت عذاب] در داخل آتش به دور خود می چرخد، همان گونه که الاغ به دور آسیاب می گردد. کسانی که از او علم آموخته اند و نجات یافته اند، به او می گویند: وای بر تو! ما راه راست را از تو آموختیم و هدایت شدیم. چرا تو این گونه ای؟ او پاسخ می دهد: من نسبت به آنچه به شما می آموختم و شما را از آن نهی می کردم، مخالفت کردم.» (کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۹۰۹۷)

#### آداب معلمی

استاد بزرگ اخلاق شهید ثانی (ره) در کتاب ارزنده اش منیه المرید، آدابی را برای معلم ذکر کرده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. اگر معلم می خواهد از شاگردی سؤال کند نباید منظورش به زحمت انداختن یا ثابت کردن عجز او در پاسخگویی باشد، بلکه به قصد تعلیم و ارشاد و برای یادگیری در راه رضای خدا باشد. در این حالت است که درخت علم بارور و نتیجه مطلوب حاصل می شود.

۲. از یادگیری غافل نباشد. هر چند از کسی که دارای رتبه علمی پایین تر باشد. بنا به روایتی از امام صادق (ع) که می فرماید: «مردم که هلاک می شوند فقط به خاطر آن است که نمی پرسند.» و کسی که از پرسیدن خودداری می کند جاهل است و به زیان و خزان دچار می گردد.

۳. در برابر سؤالاتی که پاسخ آنها را نمی داند، بدون هیچ ترسی حقیقت را بگوید. می تواند بگوید به این حقیقت نرسیده ام، باید دقت بیشتری کنم تا به جواب درست تری دست یابم. یا طبق فرمایش حضرت علی (ع) عمل کند که می فرماید: «هنگامی که سؤال شدید از چیزی که نمی دانید، از سؤال بگریزید. عرض کردند: راه گریز چیست؟ فرمود: بگویند خدا داناتر است.»

پس لازم است معلم بداند که گفتن «نمی دانم» نه تنها از مقام اجتماعی او نمی کاهد، بلکه مقام او را در دیده دیگران بالا می برد؛ زیرا در صورت ندانستن، جواب نادرستی می دهد که عین جهالت است.

۴. اگر بر حسب اتفاق اشتباهی کرد به سرعت اشتباه خود را اعلام کند تا سخن نادرست در ذهن دانش آموزان ثبت نشود که رفع آن مشکل است. در ضمن اینکه این عمل باعث می شود که صفتی خوب در دانش آموزان پیدا شود و آن اینکه حاضر به تصحیح اشتباهات خود می شوند و مقصد اصلی شان در زندگی و مسائل دیگر، روشن شدن حق و حقیقت می شود. [تعلیم و تعلم از دیدگاه شهید ثانی و امام خمینی، ص ۷۶، ۸۴].

یکی از مهم ترین مصادیق تعظیم معلمان و اساتید، حضور در کلاس درس آنان است که انسان علاوه بر اینکه مطالب بسیاری از آنان می آموزد، از آداب و رسوم و اطلاعات غیر درسی نیز بهره مند می شود؛ افزون بر آن، به مقام دوستان خداوند و ثواب آنچه نزد خداست نیز دست می یابد. در حقیقت آموزه های معلم، همانند قطرات باران دلهای تشنه را سیراب و استعدادها را شکوفا می کند. به این جهت، حضرت عیسی علیه السلام به پیروان خود سفارش کرد که: «یا بنی اسرائیل زاحموا العلماء فی مجالسهم ولو جثوا علی الرکب فان الله یحیی القلوب المشیة بنور الحکمة كما یحیی الارض المشیة بوابل المطر؛ (بحار الانوار، ج ۱، علامه محمدباقر مجلسی، نشر الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۴۵). ای بنی اسرائیل! در کلاسهای درس دانشمندان ازدحام کنید! حتی اگر از تنگی مکان درس ناچار باشید که بر روی زنان بنشینید؛ چرا که خداوند متعال با نور دانش و حکمت، دلهای مرده را زنده می کند؛ همان طوری که زمین مرده و خشک را با قطرات باران احیا می کند.»

حضور در جلسات دانشمندان و معلمان حکمت چنان در زندگی انسان اثر دارد که ممکن است در اثر بی اعتنائی به آن جلسات، انسان دچار خواری شود و مورد خشم خداوند قرار گیرد. امام سجاده علیه السلام در دعای سحر به این نکته ظریف اشاره می کند و در راز و نیاز با خداوند این گونه نجوا می کند: «سیدی ... لعلک فقدتنی من مجالس العلماء فخذلتنی؛ (مصباح کفعمی، ابراهیم بن علی کفعمی، نشر رضی، قم، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۹۳). آقای من! ... شاید مرا در مجالس دانشمندان ندیدی و به این خاطر دچار خذلان و خواری نموده ای!»

### بهترین مردم

در هر جامعه ای بهترین و مؤثرین ترین قشر آن، معلمان و اساتید و مربیان هستند. همان طور که شمع خود می سوزد و اطرافش را روشن می کند، معلمان دلسوز و وظیفه شناس که دانش آموزان و دانشجویان خود را با زحمات شبانه روزی به سوی روشنایی و هدایت می برند نیز جامعه را به نور علم و معرفت خویش روشن می سازند. برای همین، شایسته است که مقام معلمان و مدرسان را همه طبقات محترم بشمارند.

از منظر رسول اکرم صلی الله علیه وآله مقام سه گروه برجسته در جامعه را به غیر از افراد گمراه و منافق کسی دیگر سبک نمی شمارد. آن حضرت چنین فرمود: «ثَلَاثَةٌ لَا يُسْتَحَقُّ بِهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ نِفَاقِهِ دُوَّ شَيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَمُعَلِّمٌ الْخَيْرِ وَإِمَامٌ عَادِلٌ؛ (تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۸، ص ۲۷). از تعظیم و تکریم سه گروه به غیر از افراد منافق که دو رویی آنان بر همگان آشکار است، کسی دیگر سر باز نمی زند. این سه گروه عبارت اند از: سالمندی که مویش را در راه اسلام سفید کرده، معلم نیکی و پیشوای عادل، رسول خدا صلی الله علیه وآله در رهنمودی دیگر، ارزش آموزگاران را این گونه بیان می کند: «إِنَّ مُعَلِّمَ الْخَيْرِ يَسْتَفِرُّ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَصَيَاتُ الْبَحْرِ وَكُلُّ ذِي رُوحٍ فِي الْهَوَاءِ وَجَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛ (بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷). آموزگاری که به انسانها نیکی می آموزد، تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و همه موجودات دارای روح در هوا و تمام اهل آسمان و زمین برایش طلب آموزش می کنند.»

### معلمان نمونه

پیامبران الهی را اولین اسوه های معلمان تربیتی و آموزشی جامعه می توان به حساب آورد. همان طور که رسول خدا صلی الله علیه وآله خود را به عنوان معلم جامعه معرفی می کند، سایر پیامبران الهی نیز اینگونه بوده اند. امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری دلنشین فرمود: حواریون در محضر حضرت عیسی علیه السلام گرد آمدند و عرضه داشتند: «یا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ أُرْشِدْنَا؛ ای آموزگار نیکیها! ما را آموزش بده تا رشد یابیم!» حضرت عیسی علیه السلام نیز فرمود: «إِنَّ مُوسَى كَلِمَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمْرُكُمْ أَنْ لَا تَخْلِفُوا بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَاذِبِينَ وَأَنَا أَمْرُكُمْ أَنْ لَا تَخْلِفُوا بِاللَّهِ كَاذِبِينَ وَلَا صَادِقِينَ؛ (الكافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۵۴۲). موسی کلیم الله به شما فرمان داد که به خداوند متعال قسم دروغ نخورید و من به شما امر می کنم که به خدا قسم نخورید، چه راست و دروغ.»

در قرآن کریم داستانی قابل توجه از یک معلم و شاگرد مطرح شده است. در آنجا حضرت خضر علیه السلام به عنوان معلم و حضرت موسی علیه السلام شاگرد اوست. قرآن در این زمینه می فرماید: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْكَ عَلَى أَنْ تَعْلَمَ



روز  
بهاره  
مبارکباد

